

واکاوی خطبه «نکوهش مردم بصره» امام علی (ع) با توجه به بافت متنی و بافت موقعیتی

سیداسماعیل حسینی اجداد نیاکی*

سیده اکرم رخشنده‌نیا**، حسینعلی ایازی***

چکیده

متون ادبی به دلیل چندلایه بودن با تأویل‌ها و تفسیرهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی همراه‌اند. هدف اصلی خطیب اقناع مشارکین است. به همین سبب، خطیب باید با عوامل بافت متنی (درون‌زبانی) و بافت موقعیتی (بیرون‌زبانی) نظیر بافت‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی آشنایی داشته باشد تا بتواند در اقناع مخاطبان از آن استفاده کند. خطبه «نکوهش مردم بصره» از مجموعه سخنرانی‌های زیبا و تأثیرگذار امام علی (ع) است که بعد از پیروزی در جنگ جمل، در مسجد جامع بصره، ایراد فرمود. فضای این خطبه آکنده از توبیخ مردم پیمان‌شکن بصره است که منافقانه و در پی اطاعت از خواص بی‌بصیرت شورش کردند. در این مقاله، ضمن اثبات ویژگی‌های تأثیرگذار این خطبه در شناساندن مخاطبان، به تحلیل بافت متنی و موقعیتی آن می‌پردازیم. از نتایج مهم پژوهش بیان زیبایی‌های ادبی این خطبه در حیطه تحلیل متن و اثبات هماهنگی بین گفتمان این خطبه و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی و رای ظاهر خطبه است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، بافت متنی، بافت موقعیتی، خطبه، نکوهش مردم بصره.

* دانشیار گروه عربی، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، d.hoseini54@gmail.com

** استادیار گروه عربی، دانشگاه گیلان، rakhshandeh1982@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد گروه عربی، دانشگاه گیلان، hosinaliyazi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۸

۱. مقدمه

خطابه و خطاب به معنی سخن گفتن رودررو (الفراهیدی، ۱۴۰۵: ماده «خطب») و در اصطلاح منطق آرایه‌ای علمی است که هدف آن اقناع مخاطب است (فارابی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۴۵۶؛ ابن سینا، ۱۳۷۳: ۱۵؛ ابن رشد، ۱۹۶۷: ۲۸).

صاحب‌نظران منطق معتقدند بهترین شیوه برای اقناع مخاطب عوام کاربرد صنعت خطابه است؛ زیرا چنان در روان مردم تأثیر می‌گذارد که حتی اگر صدق یا شهرت بحث خطابی را نپذیرند، ناخودآگاه از آن منفعل و به فعل وادار می‌شوند. از این رو، در اکثر ملت‌ها و مذاهب کسانی هستند که با مقیاس‌های اقناعی مردم را به مسلک دل‌خواهشان متمایل می‌کنند (حلی، ۱۳۸۱: ۳۸۶).

خطبه هنری بی‌بدیل از جانب سخنوران تواناست که در موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حماسی، و ... به قصد تأثیرگذاری در مخاطب به کار می‌رود. از جمله فواید مهم خطابه تشویق و ترغیب مردم به انجام اعمال فاضله و دوری کردن از رذایل اخلاقی، اعتقادی، و عملی است (ضیایی، ۱۳۷۷: ۸).

اسلوب بیانی علی (ع) در خطابه بسیار زیباست. اوج فصاحت، بلاغت، و زیبایی خطبه‌های حضرت امیر (ع) زمانی بروز می‌یابد که ایشان با توجه به موقعیت بهترین کلام را بیان می‌دارد. به عبارت دیگر، زیبایی ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی، همگی در بافت موقعیتی آن ظهور پیدا می‌کند و روش «تحلیل گفتمان بافت متنی و موقعیتی» راهی برای کشف این زیبایی‌ها و ارتباط‌هاست.

تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی (discourse analysis) چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (بافت متنی) و عوامل بیرون‌زبانی (بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و تاریخی) بررسی می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در واقع، تحلیل گفتمان رویکردی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه ساختارهای متون می‌پردازد و برای آن‌که چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی، اجتماعی، و فرهنگی متون را بررسی می‌کند (مکاریک^۱، ۱۳۸۴: ۲۶۰).

در تحلیل گفتمان دو عنصر مهم بررسی می‌شود: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت. منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چهارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات قبل و بعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی،

و معنایی آن دارند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۴). در تحلیل بافت متنی، که توصیف ساختارهای متن است، به بازنمایی ویژگی‌های صوری متن، که باعث انسجام واژگانی میان جملات است، پرداخته می‌شود. ویژگی انسجامی متن ویژگی‌های صوری متنی را بیان می‌کند که دارای نقش پیوندی و سرنخی از پیوند ایجادشده میان یک جمله و جمله دیگر است (فرکلاف^۲، ۱۳۷۹: ۱۹۹). هم‌چنین در تحلیل بافت متنی از انگیزه‌های خوانش متن دستیابی به جلوه‌های زیبایی‌شناختی متن است (گرچی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

در بافت موقعیتی یک عنصر یا متن در چهارچوب موقعیتی خاص، که تولید شده است، بررسی می‌شود (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۲). زبان‌شناسان جدید از متن به شبکه‌ای هوشمند تعبیر کرده‌اند که رویدادی نامتناهی و بدون چهارچوب نیست و رموزی برای یافتن ایده حقیقی نویسنده یا متکلم دارد. تحلیل گفتمان و واکاوی بافت موقعیتی یک متن در جهت شناسایی این رمزها و در نتیجه دریافت اندیشه اصلی حاکم بر متن گام برمی‌دارد (خمیری، ۱۹۹۹: ۲۱).

هر متن یا اثر ادبی به‌منزله جریانی اجتماعی مطرح می‌شود (دائل دایان، ۱۳۸۰: ۵۵)؛ از این منظر، می‌توانیم تحلیل بافت موقعیتی را نوعی نقد اجتماعی بدانیم. این نوع روش تحلیل بر آن است تا عوامل اجتماعی پدیدآورنده نوع خاص ادبیات را بیابد و بررسی تأثیر این نوع ادبیات را در جامعه مدنظر دارد (فرزاد، ۱۳۸۸: ۷۱). به‌طور کلی، سعی می‌شود در فرایند تحلیل بافت موقعیتی شاخصه‌هایی اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، و یا هنجارهای مدنظر پدیدآورنده متن در نظر گرفته شود. هم‌چنین پرداختن به تفسیرهای مشارکین گفتمان درباره یک اثر و میزان تأثیرپذیری متن در حال بررسی از سایر متون در قالب مسئله بینامتنیت از جمله وظایف تحلیل‌گر در زمینه بافت موقعیتی است (پالمر^۳، ۱۳۹۱: ۹۱؛ ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

با توجه به جایگاه ذکرشده برای خطابه و تحلیل گفتمان متون به واکاوی بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه «نکوهش مردم بصره» امام علی (ع)، که تبیین زیبایی‌ها و نوآوری‌های یک متن است، پرداخته می‌شود و تأکید بر آن است که گفتمان این خطبه براساس بافت متنی و بافت موقعیتی تحلیل شود. در روش‌شناسی بافت متنی به ویژگی‌های صوری متن از جمله کاربرد واژگان، نکات نحوی، ارتباط میان جملات، و بافت موسیقایی کلام اشاره می‌شود و خواننده را برای درک هر چه بهتر خطبه آماده می‌کند. در بافت موقعیتی این خطبه را برحسب رویه‌های ارتباطی، تأویل ساختار متن، توالی عناصر آن، و روابط اجتماعی حاصل از تعامل عناصر و سازه‌های متن تحلیل می‌کنیم.

خطبه «نکوهش مردم بصره» زیبایی فراوانی دارد. این خطبه از صدق عاطفه و خیال شورانگیز برخوردار است و با عبارات حماسی و هیجانی به بیان حوادث روزگار تلخ زمان حضرت (ع) می‌پردازد و در این جاست که رسایی سخن حضرت (ع) از قلب دردناکش برمی‌خیزد و کلام خود را با آهنگی نیرومند و مؤثر می‌آراید و با درنظرگرفتن سخن با مقتضای حال هنرنمایی می‌کند که چنین دقت و بلاغتی را در این سطح والا فقط در قرآن کریم شاهدیم. دقتی که نمونه بی‌بدیلی از بافت استوار پیوند لفظ و معناست (جرداق، بی تا: ۱۷۱-۱۷۵). حضرت علی (ع) این خطبه را بعد از دفع فتنه جنگ جمل ایراد کرد. اما حضرت برخلاف سایر فاتحان در نبردها، که باید شادمان از پیروزی باشند، با قلبی آکنده از درد و رنج، که ناشی از فتنه‌انگیزی دوستان دیروز و دشمنان امروز است، سعی در بیدارکردن وجدان خفته مردم دارد و این خاطر رنج‌آلود در کلام مولا متبلور است. ایشان تلاش دارد با الفاظ و عباراتی تند، توبیخ‌آمیز، و هشداردهنده، مبنی بر نزدیکی زمینه‌های خشم الهی، وظیفه هدایت مردم و هوشیارکردن آن‌ها را انجام دهد. اوج فصاحت و بلاغت این خطبه زمانی بروز می‌یابد که ایشان با توجه به موقعیت بهترین کلام را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، زیبایی تمام ساختارهای متنی کلام ایشان از ساختارهای کلی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی همگی در ارتباط با بافت موقعیتی آن ظهور پیدا می‌کند.

۲. هدف پژوهش

هدف اصلی ما در این مقاله کشف زیبایی‌ها و ظرافت‌های متنی در خطبه نکوهش مردم بصره و اثبات هماهنگی و تناسب متن سخن با بافت موقعیتی آن است. هم‌چنین واکاوی اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی برای کشف مطالب مدنظر حضرت (ع) در چهارچوب تحلیل بافت موقعیتی از دیگر اهداف این مقاله است. در ضمن با نشان‌دادن ارتباط کلام علوی و آیات قرآن کریم به مسئله مهم «بینامتنیت» پرداخته می‌شود.

۳. سوالات پژوهش

۱. حضرت علی (ع) برای انتقال مفاهیم مدنظر خود به مخاطبان چه ظرافت‌ها و نکاتی را در متن خطبه خویش (بافت متنی) رعایت کرد؟
۲. چه شرایطی اعم از زمینه ایراد خطبه و یا اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی (بافت موقعیتی) برای این سخنرانی مدنظر حضرت امیر (ع) بوده است؟

۳. میزان تأثیرگذاری قرآن کریم (بینامتنیت) بر کلام و سخنرانی حضرت علی (ع) تا چه حدی بوده است؟

۴. فرضیات پژوهش

۱. امام علی (ع) در خطبه خود انواع فنون بلاغی، ادبی، و خطابی را به کار می‌گیرد تا بر تأثیر سخنان خود بر مردم بیفزاید و آن‌ها را از غفلت و جهل در اطاعت از خواص بی‌بصیرت و منافقان برحذر دارد.
۲. بافت‌های سیاسی، فرهنگی، و تاریخی و واکاوی این موارد بر تأثیرگذاری این خطبه افزوده است.
۳. حضرت امیر (ع) برای تبیین ایده‌های خود در برابر مخاطبان از آیات قرآن نیز بهره برده است (بینامتنیت)، تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات عقاید و اهداف خود در اذهان مخاطبان بهره‌مند شود.

۵. پیشینه پژوهش

پژوهش‌گران عرصه علم و ادب همواره به کلام مملو از زیبایی امیرالمؤمنین علی (ع) علاقه‌مند بوده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های «بررسی سبک‌شناسانه خطبه جهاد حضرت امیر (ع)» از حسن برزنونی، «بررسی زیباشناسی اسلوب‌های زبان در نهج‌البلاغه» از قاسم بستانی، «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه شش‌شقیه براساس الگوی فرکلان» از احمد رضایی، و «سبک‌شناسی ادبی خطبه اول نهج‌البلاغه» از سیدابوالفضل سجادی، که در مجموعه مقالات همایش‌های نهج‌البلاغه و ادبیات چاپ شده و مؤسسه قرآن و نهج‌البلاغه به همت انتشارات نشر آن را منتشر کرده است، اشاره کرد. اما تاکنون پژوهشی با موضوع بررسی کلام علی (ع) براساس تحلیل بافت متنی و موقعیتی خطبه «نکوهش مردم بصره» انجام نشده است.

۶. شرایط ایراد خطبه و بافت موقعیتی آن

امیر مؤمنان علی (ع) پس از گرفتن زمام امور جامعه برنامه‌های انسانی و اسلامی خویش را برای اصلاحات عمیق و بنیادی آغاز و تلاش کرد تا بدعت‌های سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی، و عقیدتی را برچیند و شیوه‌های نادرست و ظالمانه را یکی پس از دیگری کنار گذارد و سبک و سیره عادلانه و انسانی پیامبر (ص) را احیا کند. این‌جا بود که برتری طلبان و امتیازخواهان از سیاست عادلانه و تساوی طلبانه دولت مردمی و عدالت‌خواه علوی به خشم آمدند، آفت اختلاف در صف بیعت‌کنندگان با آن حضرت نفوذ کرد، و تباهی، فتنه، و نفاق گسترش یافت.

آنان که گروه گروه به بیعت با علی (ع) مبادرت می‌کردند، اکنون پرچم مخالفت با او را برداشتند و به بهانه خون‌خواهی عثمان بر ضد علی (ع) شوریدند. در این میان طلحه و زبیر، که همواره سودای خلافت در سر داشتند، با حمایت‌های مالی و معنوی ام‌المؤمنین عایشه سردمداران مخالفان بودند.

جماعت مخالف امام علی (ع) به بهانه خون‌خواهی عثمان بر ایشان شورش کردند و قصد تصرف بصره را داشتند؛ در این مسیر خیرخواهی دیگر همسران پیامبر هم‌چون ام‌سلمه برای دفع فتنه سودی نبخشید. جماعت فتنه‌جو با ورود به بصره و برپایی آشوب و خون‌ریزی به تحریک مردم آن‌جا پرداختند و افراد زیادی نیز به‌صرف آن‌که طلحه و زبیر و دیگر خواص رهبری شورش را عهده‌دار بودند جریان شورش را حق پنداشتند.

خبر فتنه بزرگ به علی (ع) رسید و ایشان با شنیدن همه دیدگاه‌ها و روشن‌گری‌های لازم فرمان حرکت داد. ایشان بعد از ورود به بصره با گفت‌وگو و درخواست صلح سعی در دفع فتنه داشت، اما طرف مقابل بر جنگ و خون‌ریزی اصرار کرد که سرانجام مولا علی (ع) توانست بر فریب‌کاری‌ها و فتنه‌انگیزی‌های سپاه جمل پیروز شود.

پس از تمام‌شدن غائله فتنه حضرت وارد مسجد شد و به سرزنش پیمان‌شکنان بی‌بصیرت بصره پرداخت؛ چون آنان نخستین گروهی بودند که فریب فتنه‌گران را خوردند و در برابر امام خود به ناحق ایستادند. از این رو، حضرت خطبه‌ای سراسر توبیخ و سرزنش ایراد کرد و مردم بصره و همه سکوت‌کنندگان فتنه را از ترک امر به معروف و نهی از منکر و سکوت در برابر گناه‌کاران و فتنه‌گران برحذر داشت و به نزدیک‌بودن عذاب و خشم الهی هشدار داد (قزوینی، ۱۳۸۶: ۴۶۵-۵۰۰).

۶. بررسی و تحلیل بافت متنی و موقعیتی خطبه

«كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَاعَ الْبَيْهِيْمَةِ، رَغَا فَاجِبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهْرَبْتُمْ: شما سپاه یک زن و پیروان حیوان بودید. تا شتر صدا می‌کرد می‌جنگیدید و تا حیوان کشته شد فرار کردید» (ابن‌میثم، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۸۹).

در بافت متنی به ویژگی‌های صورتی متن مانند کاربرد واژگان، نکات نحوی، ارتباط میان جملات، و بافت موسیقایی کلام اشاره می‌شود که خواننده را برای درک هر چه بهتر خطبه آماده می‌کند.

در بافت متنی این بخش از خطبه حضرت خطبه را بدون مقدمه و فضا سازی آغاز کرد و مستقیماً با شدیدترین عبارات به نکوهش و سرزنش مردم بصره پرداخت. در این زمینه خطبه را با ایجاز حذف از نوع حذف موصوف آغاز کرد و موصوف «یا اهل البصرة» را حذف کرد تا از این طریق هم سخن را کوتاه کند و هم ناگواری و عصبانیت خود را به مردم القا کند و نیز از طریق ایجاز به نکوهش مخاطبان بپردازد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۰۶).

حضرت مردم بصره را با عبارت «جُنْدُ الْمَرْأَةِ» خطاب و عتاب کرد و از این طریق آنان را، که به هنجارها، عقاید، و باورهای خویش پای بند نبودند، نکوهش کرد. آنان لشکر و سپاه یک زن بودند و چون گفتار و اندیشه زنان در میان عرب به طور کامل پذیرفتنی نیست، ایشان مردم بصره را با این عبارت ملامت می‌کند:

کسی که با آنها مشورت یا بیعت کند از زنان در رأی ضعیف تر است؛ زیرا هر پیرو از راهنمای خود در عقل و فهم مسئله مورد نظر در سطحی پایین تر قرار دارد. بنابراین توبیخ مردم بصره از جانب امام به دلیل این که لشکر و یاور زن بودند، شایسته و زیباست (ابن میثم، ۱۳۸۸: ج ۲، ۸۲).

در ادامه خطبه حضرت اهالی بصره را با واژگانی شدیدتر نکوهش می‌کند و آنان را «اتباع البهیمه» یعنی پیرو حیوان معرفی می‌کند. منظور از این حیوان شتر عایشه است که علامت سپاه بصره بود و بسیاری از جنگجویان در زیر این نشانه به هلاکت رسیدند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۵: ج ۲، ۱۸۹).

از نکات بارز بافت موقعیتی این خطبه قداست بخشی به شتر و محمل عایشه است. «جنگ اطراف شتر عایشه از صحنه های تأسف بار جنگ جمل است. صدها تن از قبایل قریش، بنی ناجیه، بنی ضبه، ازد، و بنی عدی در اطراف شتر کشته شدند» (طبری، ۱۳۷۵: ج ۶، ۲۴۵۳).

برخی از خواص فتنه گر با تکیه بر نقاط ضعف برخی از این قبایل و با سخنانی مرصع و منطبق بر روان شناسی خاص و با استفاده از جهل و تعصب آن‌ها موجب تشویق و مقاومت جنگجویان آن قبایل شدند.

در همان حال که سرها از بدن‌ها جدا می‌شد و دست‌ها از آرنج‌ها فرو می‌افتاد و شکم‌ها دریده می‌شد آنان هم چون دسته‌های ثابت ملخ بر گرد شتر بودند و از جای تکان

نمی‌خوردند و عقب نمی‌نشستند تا آن‌که علی (ع) با صدای بلند فرمان داد: ای وای بر شما، این شتر را پی کنید که شیطان است (شیخ مفید، ۱۴۱۶: ۳۴۸). زیرا تعصب جنگجویان بصره به شتر تا اندازه‌ای بود که پشکل شتر را می‌بوییدند و می‌گفتند: پشکل این شتر از مشک هم خوش‌بوتر است (نویری، ۱۳۶۴: ج ۵، ۱۴۸). در نهایت، مالک اشتر به هم‌راه عمار و با کمک تنی چند از سپاهیان امام علی (ع) دست و پای این شتر را قطع و سپاهیان بصره را از اطرافش پراکنده کردند.

با در نظر گرفتن این بافت موقعیتی، تویخ و سرزنش در عبارت «رَغَا فَاَجَبْتُمْ، وَ عُقِرَ فَهَرَبْتُمْ» بعد از یادآوری خاطرات جنگ در مسجد بصره شدیدتر می‌شود؛ حضرت (ع) آنان را ملامت می‌کند که تا چه اندازه ارزش‌های انسانی خود را نادیده گرفتند و با سر و صدای یک شتر کنترل می‌شدند و به هیجان می‌آمدند و همین که آن شتر کشته شد همگی پا به فرار گذاشتند.

ویژگی دیگر این بند دلالت آشکار فعل‌های آن است که از لحاظ ساختارهای نحوی بیشتر به صورت ماضی آمده است که روایی بودن متن خطبه را در این بند اثبات می‌کند. حضرت (ع) برای بیان مقصود خود، تویخ مشارکین، و تحریک خرد آنان، با کمک بافت موقعیتی، از واقعه تلخی روایت می‌کند که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده است.

در ساختارهای نحوی این گفتمان افعال «کتتم»، «رغا»، «أجبتم»، و «عقر» همه فعلیه و ماضی است و دلیل این حالت اتحاد جمله‌ها در خبریه بودن است. استفاده از چند فعل ماضی، به صورت پی‌درپی، نمادی از به‌تصویر کشیدن گذشته زشت و ناشایست بصریان است. هم‌چنین استفاده از جملات فعلیه موقتی بودن زندگی ناشایست و گذشته تلخ آنان را نمایان می‌کند؛ امری که به‌زودی ضمن سپری شدن این حالت تلخ و زشت آنان را به فرجام بد اخروی رهسپار می‌کند.

تغییر فرایندهای فعلی و تنوع آن نشانه آن است که خطیب به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه است. بررسی نامتغیر بودن فرایندهای فعلی و تنوع‌نداشتن آن‌ها در این فعل‌های ماضی از این نشان دارد که ایشان (ع) به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه نیست تا فضای سرد و سخت تویخ و ملامت بر بصریان استمرار یابد و تصاویر زشت رفتار آنان اثبات شود. به‌همین سبب، ایشان در توصیف رفتار کوفیان از افعال کلامی استفاده نمی‌کند و بیش‌تر از افعال رابطه‌ای و مادی بهره می‌برد.

أَخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ. المقيم بين أظهركم مرتتهن بذنبه، و الشّاخص، عنكم متدارك برحمة من ربّه: اخلاقتان ضعيف و كم مایه، پیمانتان

ناپایدار و بی پایه، دیتان نفاق و تفرقه، و آبتان شور و بدمزه است. آن کس که میان شما اقامت گزیند، گروگان همین گناه خود (یعنی اقامت در سرزمین شما) و گرفتار است، و آن کس که از سرزمین و میان شما کوچ کند مشمول رحمت خاص پروردگار است (طالقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۴).

امام علی (ع) در این فراز از خطبه لحظه به لحظه بر شدت سرزنش‌های خویش می‌افزاید و بعد از آن که اهالی بصره را پیروان زن و تبعیت‌کنندگان از حیوان معرفی می‌کند، اخلاق و رفتارشان را با اسلوب کنایه به باد انتقاد می‌گیرد و آن‌ها را دارای اخلاق و منشی حقیر و پست می‌داند که صفات ناپسند و رذیله‌ای هم‌چون شکستن عهد و پیمان و نفاق دارند (کاشانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۷۸).

اسمیه‌بودن چند جمله پی‌درپی خود دال بر ثبوت و استمرار همیشگی آن است و به‌کارنرفتن تأکید با توجه به سیاق کلی خطبه، که توییخ و ملامت مخاطبان به‌سبب حماقت و جهل و تبعیت از ناهلان است، از این واقعیت نشان دارد که مخاطبان منکر این زشتی‌ها در بین مردم بصره نبودند. از این رو، حضرت از چند جمله اسمیه ثبوتیه در اثبات حماقت آنان بهره می‌گیرد.

تأثیر بافت موقعیتی، به‌ویژه وجود خطیب و سوابق ایشان (ع)، در این قسمت کاملاً هویداست و اوج این تأثیر در واژگان بافت متنی این بند در استفاده از جملات پی‌درپی اسمیه و تأکید بر رذالت عمومی بصریان و ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های فراگیر آنان تبلور دارد؛ چرا که جمله اسمیه بر ثبوت و همیشگی معنایی دلالت دارد. به‌عبارت دیگر، حضرت با استفاده از این جملات اسمیه از نوع خبر ابتدایی، انسجام واژگانی از نوع هم‌آیی، و شمول معنایی در اخبار شش‌گانه «أخلاقکم دقاق»، «عهدکم شقاق»، «دینکم نفاق»، «ماؤکم زعاق»، «المقیم بین أظهرکم مرتهن بذنبه»، و «الشأخص عنکم متدارک برحمة من ربّه» بصریان را به‌صورت تحکمی مطیع محض خود نشان می‌دهد.

یعنی به‌علت اشتباهات مسلم خود در حماقتشان و به‌خصوص بعد از قبول شکست نظامی (بافت موقعیتی) به‌ناچار در آن برهه کوتاه زمانی برای فرار از فضای سرزنش و توییخ فراگیر اوضاع خود را به اطاعت از امام (ع) ملزم نشان دادند. بنابراین، این چهارچوب فکری در اثر معرفت زمینه‌ای موقتی پدید می‌آید. هم‌چنین بسامد تکرار جملات اسمیه در عبارات مذکور در راستای تأکید بر رابطه زبان و قدرت حرکت می‌کند.

با این تحلیل می‌توان به بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی نظیر کارکرد جملات اسمیه و تأکید لفظی و محتوایی آن، فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، و رابطه بین زبان و

قدرت پی برد و ثابت کرد که عناصر زبانی و غیرزبانی به همراه دانش زمینه‌ای کنش‌گران و مشارکین خطبه موضوع و هدف بافت متنی را مشخص می‌کنند.

از موارد دیگر بافت موقعیتی در این بند می‌توان به بینامتنیت قرآنی در دو واژه «شقاق» و «نفاق» اشاره کرد که بعد سرزنش و تویخ بصریان به عنصر ایدئولوژیکی بینامتنیت قرآنی استدلال شده است. این نحوه استفاده از بینامتنیت از موضع قدرت و تبیین گفتمانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ چرا که قداست معنایی و رواج عقیده خود به خود تولید قدرت می‌کند. خطیب برای این که بتواند ایده‌های خود را به مخاطبان ارائه دهد، از آیات قرآنی، احادیث، و سایر متون مقدس و مورد علاقه مشارکین استفاده می‌کند تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات معانی، عقاید، و اهداف خود در اذهان شنوندگان بهره ببرد. این کنش (بینامتنیت) نوعی بافت موقعیتی است و چون هر متنی در وضعیت و موقعیت خاصی تولید می‌شود، رنگ ماتن را به خود می‌گیرد. در واقع این نوع متن به یک منبع قدرت یا اقتدار مذهبی و اخلاقی مرتبط و وابسته است. از همین منظر می‌توان جایگاه این گفتمان در مبارزات را در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی، و موقعیت فرهنگی مشخص کرد.

باید توجه داشت که کلام علی (ع) با توجه به باورهای فرهنگی، مذهبی، و اجتماعی مخاطب ایراد شده است. از این رو، ایشان غیرت اهالی بصره را تمسخر و اخلاقشان را تحقیر کرد و با بیان دو واژه قرآنی «شقاق» و «نفاق» اصل دین آنان را زیر سؤال برد:

«إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (حج: ۵۳)؛

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (فصلت: ۵۲)؛

«وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ

وَمَا قَوْمٌ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ» (هود: ۸۹).

خداوند برای ستم‌کاران و کافران، آنانی که منکر نازل شدن قرآن از سوی حضرت حق‌اند و برای قوم شعیب که در مخالفت و آزار پیامبر خود اصرار می‌ورزیدند، لفظ «شقاق» را به کار می‌برد و حضرت علی (ع) نیز با به‌کاربردن چنین صفتی برای مردم بصره آن‌ها را هم‌طراز مخاطبان قرآنی این لفظ قرار می‌دهد. هم‌چنین، حضرت دین و روش مردم بصره را منافقانه برمی‌شمرد و فرجام ناگوار مردم بصره را با واژه نفاق به تصویر می‌کشد و از آنان انتقاد می‌کند؛ چرا که خداوند نیز در آیاتی زشتی کردار و عاقبت ناگوار منافقان را به آنان هشدار می‌دهد.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»

(توبه: ۷۳)؛ «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ» (احزاب: ۷۳) و

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون: ۱). خداوند در این آیات پیامبر اکرم (ص) را به جهاد با کافران و منافقان دعوت می‌کند، منافقان را با کافران هم‌ردیف می‌آورد، آنان را دروغ‌گو می‌شمارد، و به عذاب اخروی هشدارشان می‌دهد. حضرت علی (ع) نیز با منافق دانستن مردم بصره جنگ با آنان را هم‌تراز جنگ با کفار می‌داند و با دروغ‌گو برشمردن آن‌ها به عذاب الهی هشدارشان می‌دهد.

بعد از آن‌که حضرت خلق و خو و رفتار مردم بصره را به زیبایی و همراه با ظرافت خاص انتقاد می‌کند به بیان مشخصات محیط طبیعی بصره (بافت موقعیتی)، که جنگ جمل در آن برپا شده است، می‌پردازد و این مسئله یکی از جالب‌ترین مسائل علمی در جامعه‌شناسی است که تأثیر محیط طبیعی را در وضع روانی مردم با وضوح کامل مطرح می‌کند (جعفری، ۱۳۵۸: ج ۳، ۲۶۴).

ایشان می‌فرماید «مَأْوُكُمْ زُعَاقٌ» یعنی آب آشامیدنی شما تلخ و بدمزه است که از فرط بدمزگی قابل نوشیدن نیست (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۱۶۱). علت این امر نزدیکی به دریاست و سبب بیماری‌های جسمی و کُندفهمی می‌شود (فیض‌الاسلام، ۱۳۸۱: ۵۹).

افزایش تندی ملامت و سرزنش مردم بصره از سوی مولا علی (ع) به صورت اسمیه‌بودن جملات، که نشانه ثبوت اخلاق پست و شکستن عهد و پیمان از سوی مردم بصره و آیین منافقانه آن‌هاست، و خارج شدن جملات خبریه از اغراض اصلی خود به سمت اغراض ملامت‌آمیز و سرزنش‌گرانه از یک سو و وجود سجع متوازی بین الفاظ «دِقَاق، شِقَاق، نِفَاق، و زُعَاق» از سوی دیگر جلوه‌ای از هنرنمایی بافت متنی علی (ع) در این فراز از خطبه است.

«الْمُقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِذَنْبِهِ وَالشَّائِخُ عَنْكُمْ مُتَدَارِكٌ بِرَحْمَةِ مِنْ رَبِّهِ»: آن‌کس که بین شما ماند، کیفر گناهی است که ببند و آن‌گاه که کوچ کند، دوباره مشمول رحمت خدا شود.

عبارت «بین اظهر الناس» به معنای زندگی کردن در میان جمعی و حمایت شدن از جانب آن‌هاست؛ کسی که در میان مردم بصره زندگی کند، به گناه گرفتار می‌شود؛ زیرا کسی که در میان آن‌ها زندگی کند ناگزیر است به روش آن‌ها درآید و آداب و رسوم آن‌ها را بپذیرد، در نتیجه از اخلاق آن‌ها متأثر و به گناه گرفتار می‌شود (ابن میثم، ۱۳۸۸: ج ۲، ۸۶).

در این قسمت از خطبه حضرت با ظرافت و زیبایی خاص و با اقتباس از مفاهیم و آموزه‌های قرآن و احادیث شریف نبوی مردم را از ترک امر به معروف و نهی از منکر برحذر داشته و به افرادی که در راه خدا مهاجرت کنند مژده رحمت داده است.

این‌که حضرت فرمود هر کسی در میان بصری‌ها بماند مستحق عقوبت به گناه است و خارج‌شوندگان از بین آن‌ها به رحمت پروردگار دست پیدا می‌کنند ناظر بر این مفهوم است

که به فرموده رسول اکرم هم‌نشینی و اختلاط با اهل معصیت و ترک امر به معروف و نهی از منکر هم‌ردیف آن گناه و گناه‌کار است (هاشمی خوئی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۱۹۳).

رسول اکرم فرمود: در شب معراج دیدم که لب‌های گروهی را با قیچی می‌برند. پرسیدم این‌ها چه کسانی‌اند؟ گفتند: کسانی‌اند که زبان نهی از منکر داشتند ولی نهی نکردند (تویسرکانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۵۸).

هم‌چنین قرآن کریم درباره فضیلت مهاجرت در راه خدا می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸). علی (ع) با اقتباس از این آیه شریفه به مردم بصره مژده می‌دهد که هر کس در دیار خود جماعت معصیت‌کار را برای دوری از گناه ترک کند، می‌تواند به رحمت الهی امیدوار باشد. ایشان از این طریق اوج خبثت و پستی مردم بصره را به رخ آن‌ها می‌کشد که حتی زندگی کردن در میان اهل بصره موجب گرفتارشدن می‌شود و ممکن است رذالت آن‌ها به دیگران نیز سرایت کند.

جدول ۱. فراوانی کاربرد جملات اسمیه، فعلیه، و بینامتنی قرآنی

<p>با توجه به معنای حدودیه و آتی بودن و غیردوام جملات فعلیه و با توجه به شأن مخاطبان این دو جمله، می‌توان به شخصیت بدون ثبات بصریان و فریب‌خوردن آنان پی برد.</p>	<p>۱. رغا فأجتم ۲. عقر فهرتم</p>	<p>جملات فعلیه</p>
<p>با توجه به معنای ثبوتیه و دوام جملات اسمیه و تعداد نسبتاً زیاد این نوع جملات در کلام حضرت، می‌توان به ثبات شخصیت بصریان در این امور منفی پی برد.</p>	<p>۱. کنتم جند المرأة و ... ۲. أخلاقکم دقاق ۳. عهدکم شقاق ۴. دینکم نفاق ۵. ماؤکم زعاق ۶. المقیم بین أظهرکم مرتهن بدنبه ۷. الشأخص عنکم متدارک برحمة من ربّه ۸. کأنی بمسجدکم کجؤجوؤ سفینة قد بعث ...</p>	<p>جملات اسمیه</p>
<p>با توجه به دو واژه بینامتنیت قرآنی در کلام حضرت می‌توان به تصریح گفت که بعد سرزنش و توبیخ بصریان به عنصر ایدئولوژیکی بینامتنیت قرآنی استدلال شده است. این نحوه استفاده از بینامتنیت از موضع قدرت و تبیین گفتمانی مورد استفاده قرار گرفته است.</p>	<p>۱. شقاق ۲. نفاق</p>	<p>بینامتنیت قرآنی در دو واژه</p>

كَأَنِّي بِمَسْجِدِكُمْ كَجَوْجُؤِ سَفِينَةٍ، قَدْ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْعَذَابَ مِنْ فَوْقِهَا وَمِنْ تَحْتِهَا، وَغَرِقَ مَنْ فِي ضَمْنِهَا: گویا هم‌اکنون مسجدتان را می‌بینم که در میان امواج آب چون سینه کشتی است، خدا عذاب را از فراز سر شهر و از فرودش فرستاده و هر که را درون آن است در آب فرو برده است.

در تحلیل بافت متنی این فراز از خطبه شاهد آن‌ایم که حضرت به زیباترین وجه ممکن و با بهره‌گیری از فن تشبیه شدت عذابی را که قرار است بر مردم بصره وارد شود به آن‌ها گوش‌زد می‌کند.

امام (ع) در این فراز از ایجاز حذف بهره می‌برد و فعل أَبْصُرُ را حذف می‌کند و به جای جمله «كَأَنِّي أَبْصُرُ بِمَسْجِدِكُمْ» می‌فرماید «كَأَنِّي بِمَسْجِدِكُمْ» تا ذهن مخاطب مستقیماً به مسجد و خبری که می‌خواهد از آن بدهد سوق داده شود. هم‌چنین مسجد شهر بصره را در هنگامه نزول بلا و سیل به سینه کشتی تشبیه کرده که در تلاطم سیل و طوفان در حال غرق شدن است.

در واکاوی دو طرف این تشبیه باید بیان کرد که حضرت از تشبیه حسی سود جسته و در تشبیه مسجد به «جَوْجُؤِ سَفِينَةٍ» دو طرف تشبیه مفرد به مفرد مقید است. اما نکته بارز این تشبیه از جهت وجه این است که وجه شبه از نوع بعید غریب است و آن تشبیهی است که انتقال از مشبه به مشبه‌به به تفکر و باریک‌اندیشی نیاز دارد، زیرا وجه شبه آن در نگاه اولیه پوشیده است (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۸).

از سوی دیگر، حضرت علی (ع) برای این که به وقوع پیوستن عذاب الهی، نزدیک‌بودن، و حتمی بودن آن را به مردم بصره خبر دهد، از افعال ماضی (روایی) به جای افعال مضارع استفاده کرده است. تعبیر از مضارع با لفظ ماضی اهدافی دارد که در این جا آگاهی از تحقق وقوع فعل یا نزدیکی وقوع فعل را نشان می‌دهد (همان: ۴۳۶).

از این رو حضرت فرمود: «قَدْ بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْعَذَابَ» و در ادامه می‌فرماید: «غَرِقَ مَنْ فِي ضَمْنِهَا». در صورتی که اگر افعال مضارع مانند یبعث و یغرق را به کار می‌برد حتمی بودن نزول عذاب و نزدیکی وقوع آن از کلام برداشت نمی‌شد.

در این فراز بعد از آن که حضرت با استفاده از تشبیه میزان عذاب و چگونگی آن را بیان می‌دارد و سپس حتمی بودن آن را به تصویر می‌کشد، با استفاده از الفاظی هم‌چون: مِنْ فَوْقِهَا، مِنْ تَحْتِهَا، و مَنْ فِي ضَمْنِهَا، با استفاده از فن اطنا، فراگیر بودن عذاب را برای همه قسمت‌های شهر و ساکنان آن بیان می‌کند.

ایشان با این تأکید و پیش‌گویی باعث شگفتی بصریان شد؛ چرا که مردم تاکنون انتظار داشتند پیامبر یا وصی پیامبر از حوادث آینده خبر دهد، نه این‌که حاکم به پیش‌گویی بپردازد، حضرت با این همه تأکید در صدد القای این مطلب نیز بود که ایشان جانشین و وصی برحق نبی مکرم اسلام است و این علم و قدرت را از محضر مبارک پیامبر (ص) به ارث برده و از این طریق خواسته است از اعتقادات اهل بصره انتقاد کند؛ چرا که اگر آنان اهمیتی برای پیامبر و جانشینش قائل بودند، به جنگ و نبرد با علی (ع) اقدام نمی‌کردند.

علی (ع) آن‌جا که به پیش‌گویی حوادث بصره می‌پردازد و به مردمانش دربارهٔ نزول عذاب هشدار می‌دهد، به این نکته نیز در بطن کلام خود اشاره دارد که ایشان به اذن خداوند آگاه به حوادث آینده و دارای علم غیب است (مجلسی، بی‌تا: ج ۳، ۱۵)؛ چرا که امام صادق (ع) در همین زمینه اشاره می‌کند که علم آن‌چه تا روز قیامت واقع می‌شود از راه وراثت از رسول خدا (ص) به ما عطا شده است (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۸۸).

بدیهی است علی (ع)، که طبق آیه ۶۱ آل عمران هم‌طراز نفوس و جان شیرین پیامبر است و در جریان روز مباحلهٔ نبی مکرم اسلام (ص) ایشان را عزیزترین فرد نزد خود معرفی کرد (زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۱، ۴۵۲)، باید برتری‌های علمی‌ای داشته باشد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با این پیش‌گویی‌ها و بیان این سوگند و تأکیدات مجموعه‌ای از آیات و روایاتی را که به علم و مقام حضرتش اشاره دارند به مردم بصره یادآور شدند تا مردم پیمان‌شکن و فتنه‌انگیز آن دیار به خود آیند که مقابل چه شخصیت عظیم و گران‌قدری به جنگ و نبرد و دشمنی پرداخته‌اند (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۵۶).

از نظر تاریخی، شهر بصره دو بار در آب غرق شد: یکی در زمان خلافت القادر بالله عباسی و دیگری زمان القائم بامرالله. همان‌گونه که امام خبر داد فقط قسمت بالای مسجد جامع بصره چون سینهٔ مرغی از روی آب پیدا بود (دشتی، ۱۳۸۳: ۳۷).

در برخی از روایات فراز آخر خطبه این‌گونه نیز آمده است: «بِلَادِكُمْ أَتَنُّ بِلَادِ اللَّهِ تَرْبَةً، أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ». در قسمت ابتدایی این فراز از خطبه حضرت اذعان می‌فرماید که شهر بصره بدبوترین خاک را دارد و این نیز به‌علت رسوب فراوان آب و گندیده شدن آن است. حضرت با اشاره به این نکته سعی دارد تأثیر عوامل زیست‌محیطی را بر افکار و اخلاق انسان‌ها به اثبات برساند؛ مطلبی که امروزه از آن با عنوان علم اکولوژی نام برده می‌شود (همان).

هم‌چنین، حضرت (ع) به مردم بصره می‌فرماید که شهرشان از همه‌جا به آب نزدیک‌تر و از آسمان دورتر است. نزدیکی زمینشان به آب اشاره به این است که زمین بصره از سطح

دجله پست‌تر و به دریا نزدیک است و این وضعیت دلیل سرازیر شدن آب به باغ‌ها و آب‌دادن نخلستان‌ها روزی یک یا دو بار است. اما دوربودن بصره از آسمان به دلیل پست‌تر بودن آن از سرزمین‌های دیگر است. گفته‌اند دورترین نقطه زمین از آسمان زمین‌های کنار دریاست و این چیزی است که علم رصد بر آن دلالت دارد و علمای نجوم با استدلال آن را ثابت کرده‌اند.

کلام امام علی (ع) در این‌جا برای نکوهش است و نظر به معنای ظاهری ندارد. چون اهل بصره دارای اوصاف نکوهیده‌ای بوده‌اند که حضرت آن‌ها را برشمرد، به این دلیل از نزول رحمت آسمان وجود الهی به دورند و مستحق نزول عذاب الهی‌اند. در عرف نیز صحیح است به کسی که دارای اوصاف پست باشد گفته می‌شود که از آسمان به دور است (ابن میثم، ۱۳۸۸: ج ۳، ۸۷-۹۰).

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این مقاله می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱. امام علی (ع) در خطبه خود انواع فنون بلاغی، ادبی، و خطابی را به کار می‌گیرد تا بر تأثیر سخنان خود بر مردم بصره بیفزاید و آنان را از خواب غفلت بیدار و شرایط گمراهی خواص را برایشان نمایان کند.
۲. دانش زمینه‌ای مهمی که باعث می‌شود بصریان در یک فضای کاملاً مخوف و سرزنش‌گر سخنان خطیب را سراپا گوش باشند، جهان‌بینی مشترک امام سجاد (ع)، مشارکین، و شنوندگان خطبه به عاقبت دنیا و زوال آن است.
۳. تنوع فرایندهای فعلی نشانه تغییر فضای حاکم بر خطبه از سوی خطیب است. از این رو، تغییرنداشتن فرایندهای فعلی و استفاده از افعال رابطه‌ای و مادی در بیشتر افعال این خطبه از این نشان دارد که امام (ع) به دنبال تغییر فضای حاکم بر خطبه نیست تا فضای سرد و سخت توبیخ و ملامت بر بصریان استمرار یابد.
۴. امام (ع) برای تبیین ایده‌های خود به مخاطبان از آیات قرآنی، احادیث، و سایر متون مقدس (بینامتنیت) مشترک با مشارکین استفاده می‌کند تا از موضع قدرت و ایدئولوژیک برای اثبات عقاید و اهداف خود در اذهان شنوندگان بهره‌برد.
۵. کلیه بافت‌های متنی و ساختارهای اسلوبی این خطبه متناسب با بافت موقعیتی و شناخت کامل خطیب از شرایط سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه بصره شکل

گرفته است، به همین دلیل کل خطبه به بهترین شکل با مقتضای حال مشارکین مطابقت می‌کند.

۶. سیاق عمومی و فضای کلی این خطبه سرزنش و مذمت اهالی بصره است که به دلیل نبود شناخت کافی از جایگاه و سجایای اخلاقی حضرت علی (ع) و در پی فتنه‌انگیزی‌های خواصی هم‌چون ام‌المؤمنین عایشه، طلحه، و زبیر به جمع مخالفان علی (ع) پیوستند و بر طبل جنگ جمل کوفتند. حضرت (ع) در فرازهایی از این خطبه هنجارهای فرهنگی و اجتماعی پذیرفته‌شده در میان مردم بصره را در نظر گرفت و از همان نقطه آنان را نقد کرد. بنابراین، بیان زیبایی‌های ادبی و لفظی در این خطبه در حیطة تحلیل متن و اثبات هماهنگی بین کلام و موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی و بیان معارف دینی و آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی در ورای ظاهر کلام از نکات برجسته‌ای است که در این مقاله با هدف تحلیل موقعیت تبلور دارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Irena Rima Makaryk
2. Norma Fairclough
3. Frank. R. PaLmar

کتاب‌نامه

- ابن‌میشم، بن علی میثم بحرانی (۱۳۸۸). شرح نهج‌البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ابن‌ابی‌الحدید (۱۴۲۵ ق.). شرح نهج‌البلاغه، بیروت: مؤسسة العالمی للمطبوعات.
- ابن‌رشد (۱۹۶۷). تلخیص الخطابه، قاهره: چاپ محمد سلیم سالم.
- ابن‌سینا (۱۳۷۳). الشفاء، المنطق، ج ۴، قم: قاهره: چاپ ابراهیم مدکور و محمد سلیم سالم.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ ق.). لسان‌العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تویسرکانی، محمدنبی (۱۳۷۴). لنالی‌الاخبار، قم: مکتبه‌العلامه.
- پالمر، فرانک (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: کتاب‌ماد وابسته به نشر مرکز.

- جردادق، جرج (بی تا). *شگفتی های نهج البلاغه*، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران: بعثت. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳). *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*، قم: بیدار. خمیری، حسین (۱۹۹۹). *بنیه الخطاب النقدي*، الكويت: عالم المعرفة.
- دائل دایان، مک (۱۳۸۰). *مقدمه ای بر نظریه های گفتمان*، ترجمه حسین علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان. دشتی، محمد (۱۳۸۳). *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- زمخشری، جارالله (۱۳۸۹). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ترجمه مسعود انصاری، تهران: فقتوس. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معناکاوی به سوی نشانه شناسی اجتماعی*، تهران: نشر علم.
- صفا قرمی، محمد بن حسن فروخ (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ضیایی، علی اکبر (۱۳۷۷). *آیین سخنوری و نگارشی بر تاریخ آن*، تهران: امیرکبیر.
- طالقانی، محمود (۱۳۷۴). *پرتوی از نهج البلاغه*، تصحیح محمد مهدی جعفری، تهران: چاپ انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۸ ق). *المنطقیات للفارابی*، قم: چاپ محمد تقی دانش پژوه. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵ ق). *کتاب العین*، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۸). *درباره نقد ادبی*، تهران: نشر قطره.
- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۸۱). *ترجمه نهج البلاغه*، تهران: فقیه.
- قزوینی، سیدمحمد کاظم (۱۳۸۶). *علی (ع) من المهدی الی الأحمد*، ترجمه علی کریمی، قم: دلیل ما.
- کاشانی، مولی فتح الله (۱۳۶۴). *تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين*، تهران: میقات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامیة.
- گرچی، مصطفی (۱۳۹۰). *آیین پژوهش در زبان و ادبیات با رویکرد به منظرهای شش گانه*، تهران: کلک سیمین.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی»، *مجله زبان شناسی*، س ۹، ش ۱.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا). *حیوة القلوب*، تهران: علمیه اسلامیة.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴). *دانش نامه نظریه های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- نوبری، شهاب الدین احمد (۱۳۶۴). *نهایة الارب فی فنون الادب*، ترجمه محمود مهدوی، تهران: امیرکبیر.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۸). *جواهر البلاغه*، ترجمه حسن عرفان، قم: نشر بلاغت.
- هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: مکتب الاسلامیه.